

دبیر کمیته کردستان محمد آستگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۷۲۶

ایسکرا

Tel: 0046720077654 تلفن تماس با ما

۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۳، ۷ مه ۲۰۱۴

سردبیر عبدال گلپریان

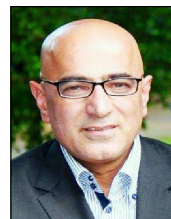
در ۲۳ اردیبهشت ۸۹ چه گذشت؟ بیاد فرزند کمانگر و یارانش

عبدال گلپریان



صفحه ۳

جنگ و نبرد طبقاتی در ایران تحت حاکمیت فاشیسم اسلامی قطبی تر شده است



نسان نودینیان

شعار آزادی کارگران زندانی" با قطعنامه های رادیکال و ضد سرمایه داری و در دفاع از حق معیشت و تامین زندگی انسان در شهرهای کردستان در سنندج، سقز، پاوه، بانه، میوان و سروآباد برگزار شد. در این روز فضای شهرها متفاوت بود. نیروهای جمهوری اسلامی با اقدامات پلیسی. امنیتی با تهدید و دستگیری تعداد قابل توجهی از فعالین کارگر و مردم شهر از چند روز قبل از یازده اردیبهشت عملا در حال آماده باش اعلام نشده

۱۱ اردیبهشت با تحرك قابل مشاهده کارگران و مردم، با برپایی تظاهرات میلیتانت در سنندج با شرکت فعالین کارگری و جوانان در دفاع از "نان، مسکن، آزادی" با

صفحه ۲

اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق

کارهای سخت و نا امن تن دهند و متأسفانه تعداد زیادی از آنها سالانه جانشان را از دست می دهند. طبق آمارهای رسمی تنها در سال ۲۰۱۳ صد و هفت کارگر جانشان را از دست دادند.

بعد از انتخابات شهر دارها در اقلیم کردستان، جنگ احزاب ناسیونالیست بالا گرفته است!

بعد از دور جدید انتخابات در طول تبلیغات انتخاباتی، سه حزب مدعی قدرت، حزب دمکرات کردستان، جنبش گوران و اتحادیه مهیننی بر سر سهم خواهی بیشتر تبلیغات علیه همدیگر به اوج خود رساندند، بطوری که اتحادیه مهیننی و حزب دمکرات رسماً علیه همدیگر اطلاعیه صادر کردند و همدیگر را به خصمانه بودن تبلیغات خود

صفحه ۲

چهارده آپریل کارگر دیگری اهل کردستان ایران ۲۳ در یکی از روستاهای منطقه سوران به دلیل برق رفتی جانش را از دست می دهد، روز ۲۴ آپریل کارگر دیگری به اسم کیوان علی جلال ۲۵ ساله از دیوار ۵ متری به پائین پرتاب می شود و جانش را از دست می دهد، روز ۲۶ آپریل کارگر دیگری در نزدیکیهای شهر اربیل به داخل دستگاه سنگ شکن می افتد و جانش را از دست می دهد. این حواث تنها گوشه کوچکی از نا امنی محیط کاری است که

بورژوازی کرد، برای چپاول هر روزه بیشتر به کارگران تحمیل کرده اند، چرا که قطعاً بسیاری دیگر از حوادث نا امنی محیط کار هیچگاه ثبت نمی شود و به روزنامه ها و میدیاه راه پیدا نمی کنند، اما همین آمار هم نشان از بی حقوقی کارگران و مردمی دارند که ناچارند برای لقمه نانی به



اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق
تهیه و تنظیم: یادی محمودی
yadi.mahmodi@gmail.com

نا امنی محیط کار در کردستان عراق هر روزه قربانیان بیشتری بر جای می گذارد!

بر اساس خبرهای منتشر شده در طول کمتر از دو هفته چهار کارگر در نقاط مختلف کردستان در حین کار جانشان را از دست داده اند. از اواسط آپریل تا اوائل مه ماه این کارگران قربانی نا امنی محیط کار شده اند. کارگری هفده ساله در پروژه آب شهر حلبچه به داخل آب می افتد و جانش را از دست می دهد، شب

صفحه ۵

صفحه ۴

صفحه ۸

نرگه با قلبش آمده است، که از ریحانه دفاع کند!
بیاد رفیق دیرینه ام سعید مرادی / رحیم یزدانپرست

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

جنگ و نبرد طبقاتی ...

بود. تحرك امنیتی - پلیسی نهادهای جاسوسی و اطلاعات رژیم فضای غیرعادی شهر را بیشتر کرده بود. جمهوری اسلامی تحت تاثیر تنگناهای درونی و ترس از اقدامات توده ای و تجمع توده ای کارگران و مردم شهرها در روز یازده اردیبهشت دست به این نوع اقدامات امنیتی - پلیسی زد. و بار دیگر در شهرهای کردستان به اقدامات نظامی و پلیسی متوسل شد. برای رژیم که بیش از سه دهه است با زور اسلحه و میلیتاریزم نظامی با دستگیری و فشار مداوم به مردم و فعالین کارگری، فعالین و مدافعین حقوق زنان و کودکان "محبوبیتی" و "جاپایی" پیدا نکرده و از هر نوع

طبقاتی دولت و کارفرماها قرار گرفته اند که با سیاستهای ضد کارگر و ضد انسانی تحت انم «هدفمندی یارانه ها» به منظور قطع "یارانه" ها و با اجرای بیشترین بیکارسازی ها با افزایش گرانی سرسام آور با افزایش قیمت دارو و امکانات پزشکی و هزینه های بیمارستان و مداوا، و با مصوبه حداقل دستمزدها (بیش از شصدهزار تومان) چهار برابر زیر خط فقر ریاضت کشی اقتصادی را به جامعه تحمیل کرده اند. تخاصم طبقاتی و بدرجه زیادی آمادگی و در صحنه فعال مبارزه و اعتراض کارگران و اعتراض کارگری عوامل فاکتورهای زنده این دوره و روز کارگر هستند. سد کردن و اقدامات پیشگیرانه برای ممانعت و جلوگیری

اصلی جامعه طبقه کارگر در حمایت و همگام با اکثریت میلیونی مردم و طبقه بورژوازی و دولت با نهاد و ماشین سرکوب رو در روی هم قرار گرفته اند. این جنگ و نبرد طبقاتی در ایران تحت حاکمیت استبداد فاشیسم اسلامی قطبی تر شده است. جنبش کارگری و سخنگویان و فعالین کارگری در محک رهبری و هدایت این چنگ طبقاتی قرار گرفته اند. وظایف بسیار مهم از جمله تلاش برای تشکل و سازمان کارگری و همبستگی درونی کارگران و ادامه اصلی ترین مطالبات و خواستههای دوره گذشته افزایش دستمزدها، تامین معیشت خانواده های کارگری سد کردن ریاضت کشی اقتصادی و ممانعت از حذف یارانه ها خصلت اعتراضات ایندوره است.

از صفحه ۱

اخبار هفتگی ...

متهم کردند. از طرف دیگر اختلاف میان اتحادیه میهنی و جنبش گوران در شهر سلیمانیه بر سر انتخاب شهردار برای این شهر بالا گرفته و جالب است که هر دو طرف اکنون به جریانانات اسلامی برای میانجیگری متوسل شده اند و در این رابطه صلاح الدین بهادین از سران جریان مرتجع اتحادیه اسلامیها با هر دو رهبری گوران و اتحادیه میهنی ملاقات کرده است. لازم به ذکر است که در انتخابات اخیر جنبش گوران که بیشترین کرسیهای انتخاباتی را در شهر سلیمانیه کسب کرده نماینده خود هفال ابویکر را برای شهر دار شهر کاندید کرده که اتحادیه میهنی وی را به بعضی بودن متهم کرده و ملا بختیار سخنگوی اتحادیه میهنی

اعلام کرده آنها نخواهد گذاشت که او شهردار این شهر شود. بهر حال جنگ و جدل این احزاب همچنانکه در ۲۲ سال گذشته نشان داده اند بر سر چپاول بیشتر است و هیچ ربطی که منفعت اکثریت مردم کردستان ندارد.

در سال جاری ۶۲ شرکت و صاحب کار به دادگاه کشانده شده اند!

آسو نجیب وزیر کار اقلیم کردستان روز ۲۷ آپریل در در یک کنفرانس خبری اعلام کرده که، تنها در سال جاری ۶۲ شرکت و صاحب کار بخاطر زیر پا گذاشتن حقوق کارگران به دادگاه کشانده شده اند. کارگران در کردستان عراق از تشکلهای مستقل خود برخوردار

نیستند و به همین خاطر سرمایه داران و صاحبان کار کارگران را به شدیدترین شیوه استثمار می کنند. آقای وزیر کار در این کنفرانس خبری بلاخره اعلام کرده که پیش نویس قانون کار برای کارگران در راه است، که البته با توجه به سابقه احزاب ناسیونالیست در بی حقوق کردن کارگران می توان پی برد که قانون کارشان هم که کارگران کوچکترین نقشی در تدوین آن ندارند نمی تواند قانونی به نفع کارگران باشد، بلکه بیشتر قانونی است برای قانونی کردن استثمار وحشیانه تر کارگران.

حکم دستگیری چند تن از مسولین امنیتی شهر سلیمانیه صادر شد!

بر اساس خبرهای منتشر شده بعد از دستگیری و شکنجه کردن شش تن از اعضای جنبش گوران که

چهار تن آنها روز چهارم می آزاد شدند، یکی از وکلای آنها اعلام کرده که علیه چند تن از مسولین امنیتی شهر به دادگاه شکایت کرده و حکم بازداشت آنها را گرفته است. آنان عمر وکیل دستگیر شدگان اعلام کرد که مسول امنیت (آسایش) شهر سلیمانیه و مسول ترور و خرابکاری این شهر جز متهمین به شکنجه و آذیت و آزار شهر وندان هستند و حکم بازداشت آنها صادر شده.

به دستور مسعود بارزانی ۱۶۰ زندانی تحویل رژیم اسلامی داده می شود!

سید عظیم حسینی سر کنسولگری حکومت جنایتکار اسلامی در شهر اربیل اعلام کرده که به دستور مسعود بارزانی ۱۶۰ زندانی ایرانی که اکثرا در رابطه با

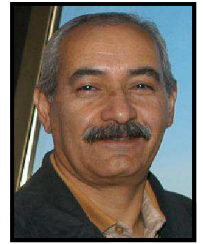
پخش و فروش مواد مخدر در اقلیم کردستان دستگیری و زندانی شده اند را تحویل مقامات رژیم اسلامی خواهند شد تا بقیه حکم خود را در زندانهای رژیم اسلامی بگذرانند. نماینده رژیم اسلامی و یا حکومت اقلیم کردستان هیچ اشاره ای آیا در میان این زندانیان، زندانی سیاسی هم وجود دارد اشاره ای نشده است، اما با توجه به سابقه احزاب ناسیونالیست کرد در همکاری با دولتهای ارتجاعی منطقه قطعاً این خطر وجود دارد که در میان این زندانیان تعدادی هم زندانی سیاسی وجود داشته باشد و مسعود بارزانی بخواهد برای خوشخدمتی به رژیم جنایت پیشه اسلامی آنها را تحویل دهد و در این باره باید بیشترین اطلاع رسانی را کرد و حتی در همین سطح هم این معامله کثیف را محکوم کرده.

حزب کمونیست کارگری نماینده آرزوها و خواستههای پایمال شده مردم محروم است.

حزب کمونیست کارگری حزب میلیونها کارگری است که کار میکنند و خود از نعماتی که خود ساخته اند محرومند! حزب کمونیست کارگری صدای همه مردمی است که آرزوهای ساده و انسانی شان سرکوب شده است! این حزب صدای میلیونها کارگر و جوان و بیکاری است که بازار سرمایه آنها را واژده است و اسیر بیکاری و فقر و محرومیت شده اند. صدای کودکان محروم شده از شادی و تحصیل، صدای زنانی که فقر و محرومیت آنها را به تن فروشی ناچار میکنند، صدای جوانانی که در اوان زندگی از شادی و رفاه و آزادی محروم میشوند. صدای آنهایی که اعدام شده اند و دیگر صدایی ندارند!

به حزب کمونیست کارگری ببینید. دست در دست هم جامعه ای بسازیم که در آن اعدام و زندان معنایی نخواهد داشت. هیچ کس از تحصیل و مسکن و دارو و درمان محروم نخواهد بود. آزادی بی قید و شرط است و همه مردم از طریق شوراهايشان قانون گزار و تصمیم گیرنده و اختیار دار جامعه خواهند بود. جامعه سوسیالیستی. که به تاریخ توحش و بهره کشی و جنایت و سرکوب اقلیت مفتخور مهر پایان خواهد گوید!

در ۲۳ اردیبهشت ۸۹ چه گذشت؟ بیاد فرزاد کمانگر و یارانش



عبدل کلپریان

یکپارچه مراکز کار و تحصیل، کارخانه ها، کارگاهها، مدارس و دانشگاهها، ادارات و مغازه ها را در این روز تعطیل کردند و روز ۲۳ اردیبهشت شهرهای کردستان در پاسخ به این فراخوانها در يك اعتصاب عمومی سراسری بسر برد. این اعتصاب عمومی جواب محکمی به جانیان اسلامی حاکم بر ایران بود. اعتصاب عمومی مردم شهرهای کردستان کاربردستان و نیروهای رژیم را کاملاً به هراس انداخت و از اینکه مبادا کنترل اوضاع از دستشان خارج شود نگران و وحشت زده نظاره گر اوضاع شدند. سنندج، مهاباد، کامیاران، پاره، نوسود، بوکان، دیواندره، دهگلان، سقز، پانه، ربط، سردشت، پیرانشهر، نقده، و اشونویه و دیگر شهرهای کردستان به اعتصاب عمومی پیوستند.

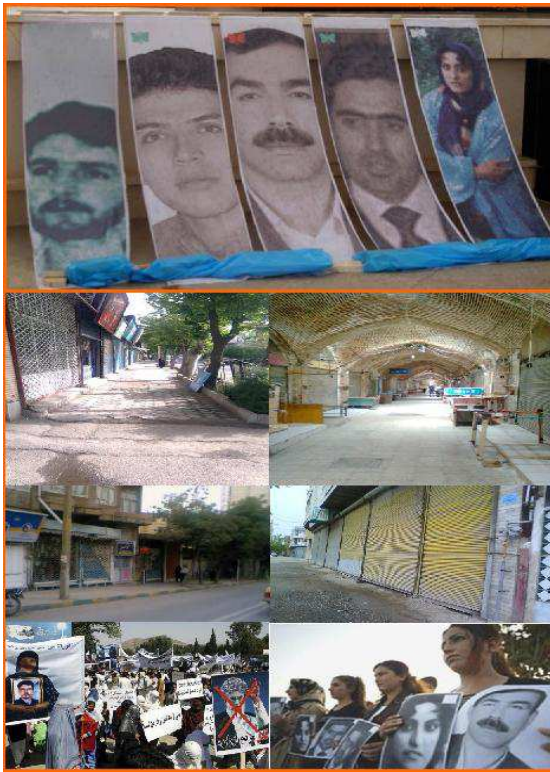
از صبح روز پنجشنبه ۲۳ اردیبهشت ۸۹ بازارها تعطیل شد. مردم سنندج سرخ خشمگین و منجر از جمهوری اسلامی و از اینکه متحدانه علیه این حکومت ایستاده و تو دهنی محکمی به جنایتکاران اسلامی زده بودند، خوشحال بودند. در سطح شهر سنندج ماشینها به نشانه پیروزی چراغها را روشن می کردند و به هم بوق میزدند. تعدادی از جوانهای شهر از ماشین ها سر خود را بیرون می آوردند و برای مردم دست تکان میدادند و علیه حکومت اسلامی شعار سر می دادند. در سنندج و سقز مزدوران حکومتی با قیچی و اهر آهن بر، قفل مغازه ها را می شکستند و کسبه را تحت فشار می گذاشتند تا بر سر کارهایشان برگردند. مردم وقتی به این رفتار جنایتکاران نمی نهادند و سر کار حاضر نمی شدند. بازار شهر سنندج کاملاً تعطیل شد بود. ماموران اماکن به زور میخواستند مردم را وادار کنند مغازه ها را باز کنند، مردم مقاومت می کردند و بازار یکپارچه تعطیل شده بود. پاساژهای شهر سنندج بسته شدند. ماموران رژیم نگاهبانهای پاساژها را تحت فشار می گذاشتند تا کار را ادامه دهند. خیابان ششم بهمن، میدان

آزادی و میدان انقلاب، خیابان سیروس، نمکی همه یکپارچه تعطیل شده بود. دانشگاه آزاد، مغازه ها همگی بسته و تمام شهر یکپارچه تعطیل شد.

در کامیاران از ساعات اول صبح ابتدا برخی مدارس باز بودند اما بتدریج همه به خانه ها رفته و مدارس تعطیل شد. در پیرانشهر با توجه به اینکه از سه روز قبلتر از آن اعتصاب آغاز شده بود اما در روز ۲۳ کاملاً تعطیل شد. در پانه مردم به اعتصاب عمومی پیوستند و شهر تقریباً یکپارچه تعطیل و مدارس زیادی بسته شد. در دهگلان تعدادی از جوانان و مردم شهر به خیابانهای شهر ریخته بودند و به اعتراض خیابانی روی آوردند. مزدوران با تیراندازی قصد ایجاد فضای رعب و وحشت داشتند که چندین ساعت تقابل مردم با مزدوران رژیم در دهگلان ادامه داشت.

اطراف خانه فرزاد کمانگر به محاصره نیروهای انتظامی در آمده بود. سرکوبگران رژیم اسلامی مانع حضور و ورود جوانان به خانه فرزاد کمانگر می شدند و مردمی که برای گرامیداشت یاد این عزیز و اعلام هبستگی و تسلیت می خواستند به آنجا بروند آنان را کنترل می کردند یا باید از سد نیروهای مسلح رژیم عبور می کردند. جاده های اصلی ورود و خروج به کامیاران شدیداً نظامی شده بود و ماشینهای نظامی در این جاده ها با گشت و بازرسی به حال آماده باش درآمده بودند. نیروهای گارد ویژه در روستاهای اطراف کامیاران و در شهر کامیاران به حرکت در آمده بودند، اطراف خانه فرزاد در حال گشت بوده و تذکر میدادند که مردم دور شوند. مردم خانواده فرزاد را تنها نگذاشتند. یکی از نیروهای گارد ویژه به جوانان گفته بود نگران نباشید و کار خودتان را بکنید. فرماندهان و نیروهای حکومت نگران از دست رفتن کنترل بر اوضاع بودند و حتی خود نیروهای انتظامی گفته بودند میخواهند مدیریت کنند و در حقیقت این رفتار ضعف و زبونی این نیروها را نشان می داد.

بدنبال ضرب و شتم يك مرد مسن در محله شوشمی در شهرستان



دادند امروز پنجشنبه است!!

سرکوبگران اسلامی با ایجاد فضای نظامی و با حکومت نظامی اعلام نشده تمام تلاش خود را بکار گرفتند که جلو حرکت مردم را بگیرند اما ناکام ماندند. جنایتکاران اسلامی که تشبثات خود را از روز ۲۲ اردیبهشت یعنی يك روز قبل از اعتصاب عمومی شروع کرده بودند اما نتوانستند با ایجاد رعب و وحشت و یا مانور دادن مانع پیوستن مردم به این حرکت شوند.

در افغانستان و همچنین در کشورهای اروپایی و دیگر کشورها علیه جنایت حکومت اسلامی و در حمایت از اعتصاب عمومی مردم شهرهای کردستان، آکسیونها و تظاهراتهای وسیعی در مقابل دفاتر ترور و جاسوسی رژیم اسلامی و در میادین و خیابانهای این شهرها برگزار شد و این عمل وحشیانه حاکمان اسلامی را بشدت محکوم کردند.

بدین ترتیب فراخوان احزاب و سازمانهای سیاسی و پاسخ متحدانه و یکدست مردم شهرهای کردستان به شرکت در اعتصاب عمومی روز ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۹ علیه توحش

نوسود، درگیری گسترده ای بین مردم و مزدوران حکومتی بوجود آمد که این درگیری و اعتراض دو ساعت ادامه داشت. در نوسود نیز مردم به اعتصاب عمومی پیوسته بودند. از آنجا که ترخیص گمرک مرزی فقط در روزهای پنجشنبه صورت می گرفت، کسبه بازار مرزی فقط ده دقیقه اجناس را تحویل گرفتند و سپس کرکره ها را در حمایت از اعتصاب عمومی پایین کشیدند. نیروهای مزدور حکومتی به مردم یورش برده بودند و پس از ضرب و شتم يك پیرمرد، درگیری شدیدی بین مردم و مزدوران آغاز می شود. در نوسود جنگ و گریز با مزدوران ساعتها ادامه پیدا می کند.

مزدوران میخواستند مدارس را به زور باز کنند. سرکوبگران تلاش می کردند محصلین را با تهدید به اخراج و کم کردن نمره ها به مدارس بکشانند. معلمان را تهدید می کردند که باید سرکار بروند. در محلات مختلف شهر مریوان و سقز نیز چندین نفر را بازداشت کرده بودند. در سطح همه شهرهای کردستان ماموران انتظامی و لباس شخصی ها در حال رفت و آمد بودند. مردم به شکل تسخر آمیزی از آنها سوال می کردند: چه خبر است امروز؟ مزدوران پاسخ می

از صفحه ۳

یاد فرزاد کمانگر ...

اسلامی، جواب محکم و دندان شکنی به قاتلان اسلامی حاکم بر ایران بود. مردم کردستان با این اعتصاب پیروزمند برگ زرین دیگری از اعتراض عمومی خود علیه حکومت قتل و جنایت اسلامی را بر تاریخ مبارزاتی خود حک کردند.

تاریخی و این اعتصاب پیروزمند حمایت کردند. در چهارمین سال یاد این عزیزان، فرزاد کمانگر، شیرین علم هولی، مهدی حسینیان، فرهاد وکیلی و علی حیدریان، به دیدار خانواده هایشان برویم، آنان را در آغوش محبتی بی پایان خود قرار دهیم. در این دیدارها اتحاد و همبستگی خود علیه توحش اسلامی و علیه قتل عمد دولتی را تقویت کنیم. حکومت اسلامی بدون برقرار کردن بساط اعدام و قتل عمد دولتی اش حتی یک روز قادر به سرپا ماندن نخواهد بود. ظهور

دایناسورهای اسلامی طی حاکمیت ننگشان از ابتدا تا به امروز چیزی جز، اعدام، زندان، شکنجه، تجاوز، فقر، فلاکت و در یک کلام ایجاد جهنمی به تمام معنا برای مردم نبوده است.

بعد از گذشت چهار سال از اعدام این عزیزان اکنون جنبش علیه اعدام و علیه قتل عمد دولتی، قدرتمندتر از هر زمانی در مقابل این جنایات دارد به پیش می رود. در اوایل اردیبهشت ۹۳ محسن اژه ای سخنگوی قوه قضائیه حکومت آدمکش اسلامی در یک نشست خبری اعلام کرده بود که تنها در

یکسال گذشته ۳۵۸ مورد از انصراف از قصاص از سوی خانواده های مقتولین روی داده است. همین آمار بخوبی نشان می دهد که نه تنها مردم بلکه حتی خانواده هایی که عزیزان خود را در یک نزاع ناخواسته بر بستر شریاطی که حاکمان اسلامی برای جوانان فراهم کرده اند و عضوی از خانواده را از دست داده اند، با گذشت از اجرای قصاص و حتی پذیرفتن دیه، قانون قصاص و قتل عمد دولتی را پس می زنند. این یک نه بزرگ به اعدام در ایران است. اینها نمونه های درخشانی از عمیق ترین احساسات و عواطف انسانی خانواده هایی است

که عزیزی را از دست داده اند اما حاضر نیستند خانواده دیگری را داغدار کنند.

هر سال یاد عزیزان اعدام شده در ۲۳ اردیبهشت ۸۹، ضمن گرامی داشت یاد این عزیزان جنبش علیه اعدام را تقویت کنیم و با ایستادن در برابر این جنایات، ماشین کشتار حکومت اسلامی را متوقف کنیم. یاد عزیزان، فرزاد کمانگر، شیرین علم هولی، مهدی حسینیان، فرهاد وکیلی و علی حیدریان گرامی باد.

۱۶ اردیبهشت ۹۳

مه ۲۰۱۶

ترکیه با قلبش آمده است، که از ریحانه دفاع کند!



İŞTE ŞERİAT HUKUKU TECAVÜZCÜSÜNÜ ÖLDÜRDÜ DİYE İDAM EDİLECEK

رسانه هایی در ترکیه نوشتند، تصمیم دادگاه در ایران، شوک جهانی را بدنبال داشت!

تظاهرات در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در استانبول در دفاع از ریحانه

روز ۵ ماه مه به فراخوان دو حزب (دمکرات خلق) و (کنگره دمکراتیک خلق) و همچنین نهاد شورای زنان تجمعی در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در استانبول تشکیل شد. تظاهرات

کنندگان خواهان لغو فوری حکم اعدام ریحانه شدند.

خبر محکومیت یک زن جوان به اعدام که در جریان دفاع از خود یک ضربه به یک مرد زده، وسیعا در رسانه های ترکیه منعکس شد. روزنامه حریت و رسانه های خبری متعدد در این مورد نوشتند:

یک دختر ۲۶ ساله به اسم ریحانه جباری یک کارمند قبلی وزارت اطلاعات را ظاهرا به قتل رسانده است در سال ۲۰۰۷ مرتضی عبداللهی سربندی سعی کرده به این

دختر تجاوز کند، این دختر مدعی است که در جریان دفاع از خود یک ضربه به او زده است.

این دختر جوان هفت سال قبل که فقط ۱۹ سال داشت، بدلیل انجام کار بعد از چند بار تماس تلفنی با مقتول قرار گذاشته و ظاهرا رهسپار محل کار او شده است

در آنجا او مورد تعرض قرار میگیرد و خود میگوید در جریان دفاع از خود فقط یک ضربه زده است. جباری را در زندان اوین در انفرادی برده و به او اجازه نداده اند با خانواده اش تماس بگیرد و از ملاقات با وکیل محروم بوده است. بعدها او وکیل داشته و وکلای او مدعی هستند که در محل جنایت اسنادی وجود داشته که دادگاه به آن توجه نکرده است. اخیرا از سوی وکلای او اعلام شد که حکم قطعی

شده و ممکنست هر لحظه اجرا شود.

حیثیت محکومین به اعدام در ایران است.

اکنون ۱۶۹ هزار نفر طومار اعتراض به حکم اعدام ریحانه جباری را امضا کرده اند، این یک موفقیت بسیار بزرگ است. از سراسر جهان هزاران نفر به یاری ریحانه شتافته اند.

در آلمان گروه های مدافع حقوق انسانی در این کشور فراخوان یک روز دفاع از ریحانه داده و ۱۰ ماه مه شنبه هفته آینده قرار است در شهرهای مختلف آلمان با ابتکارات مختلف به یاری ریحانه بشتابند.

ما از همگان دعوت میکنیم که به این کمپین بزرگ پیوسته و کمک کنند جان ریحانه را نجات دهیم.

کمپین نجات ریحانه جباری
۷ ماه مه ۲۰۱۶

دادگاه عالی حکومت اسلامی اعلام کرده بود که همه راههای قانونی طی شده و این دختر جوان با طناب دار اعدام میشود. خبر احتمال اجرای حکم اعدام ریحانه وسیعا در دنیا پخش شد و اینکه دادگاه به اسناد و مدارک بی توجهی کرده وسیعا در همه جا منعکس شد. سازمانهای مدافع حقوق انسان، مخالفین اعدام و سازمان ملل به این حکم اعتراض کرد. محکومیت به اعدام یک دختر جوان که در جریان دفاع از خود ضربه ای به یک مرد زده در دنیا با شوک فراوان روبرو شد.

کمپین نجات ریحانه، یکی از بزرگترین و موثرترین کمپین ها در افشا سیستم قضاوت جمهوری اسلامی و برای دفاع از جان و




مینا احدی ۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳
کیوان جاوید ۰۰۴۴۷۸۶۱۴۷۶۸۶۹
مریم نمازی ۰۰۴۴۷۷۱۹۱۶۶۷۳۱

آدرس پستی

Maryam Namazie
BM BOX 1616, London WC1N1XX UK
E-mail: fitnah.movement@gmail.com
Blog: http://fitnahmovement.blogspot.co.uk
Website: www.fitnah.org
Facebook: www.facebook.com/fitnahmovement

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تشبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

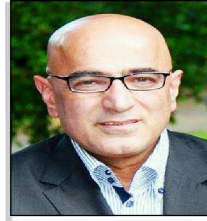



از صفحه ۱

نگاه هفته

مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان

نسان نودینان



سخنرانی در مورد روز جهانی کارگر پرداخت. وی با اشاره به جهانی بودن سرمایه و سرمایه داری، طبقه کارگر را نیز جهانی معرفی کرد و پیروزی نهایی را در اتحاد طبقه کارگر در سطح وسیع جهانی اشاره نمود وی تعیین دستمزد چند برابر زیر خط فقر را فاجعه بار خواندند و عدم دخالت نمایندگان واقعی کارگران در تعیین حد اقل دستمزد و حضور تنها نماینده کارفرما در این تصمیم گیری را عامل نادیده گرفتن حقوق واقعی کارگران خواندند. وی همچنین بر تشکلیابی کارگران تاکید کرده و و پیروزی این طبقه را در گرو داشتن تشکلی مستقل کارگری خواندند. در پایان قطعنامه پانزده ماده ای را یکی از شرکت کنندگان به حضار ارائه نمود و هر بند از آن مورد تشویق شرکت کنندگان قرار میگرفت. با شیرینی و چای و میوه از حاضرین پذیرایی شد

فولاد کیلان: کارگران فولاد

گیلان در شهر صنعتی رشت روز پنجشنبه اول ماه مه را تعطیل کرده و بر سر کار نرفتند. زیرا این کارگران میگویند این روز باید تعطیل رسمی اعلام شود.

برگزاری جشن روز کارگر در کارخانه زمزم کرمانشاه

پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت جمع کثیری از کارگران کارخانه نوشابه سازی زمزم کرمانشاه با حضور در محوطه این شرکت، روز جهانی کارگر را جشن گرفتند. در این مراسم کارگران ضمن تبریک و شادباش به یکدیگر، در باره تاریخچه اول ماه مه، اتحاد و همبستگی و اهمیت این روز در بیان مطالبات و خواسته های شان؛ و اعتراض به شرایط موجود با دست از کار کشیدن کارگران در تمام نقاط دنیا و شرکت در تظاهرات خیابانی، صحبت کردند. مراسم اول ماه مه کارگران شرکت زمزم کرمانشاه با پذیرایی و صرف شیرینی و شور و شادی حاضرین پایان یافت. (منابع: اتحادیه آزاد کارگران ایران. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری)

قطعنامه کارگران شهر سقز به تاریخ اول ماه مه ۲۰۱۴ برابر با ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۳

امسال در حالی که پیشواز اول ماه مه روز جهانی کارگر می رویم، که سرمایه داری جهانی بیش از پیش

در بحران فرو رفته است. دیگر دوران رونق سرمایه سپری شده است و سرمایه بحران زا با بحرانی دائمی دست به گریبان است. سرمایه برای سرپا نگه داشتن تولید ارزش اضافی، بیش از پیش به ستون و پایه اصلی خویش یعنی به نیروی کار هجوم می برد، سطح معیشت کارگران را پایین می آورد و آنان را دسته دسته اخراج می کند. سلطه فرمیسیم بر جنبش کارگری و نبود تشکلی های کارگری نیز زمینه را برای این یورش سرمایه به اردوی کار تسهیل کرده است. اما در ایران، وضع از این به مراتب اسفناک تر و فاجعه بارتر است، زیرا سرمایه داری، با اتکا به اهرم های مختلف از جمله فشار بر فعالان کارگری و کارگران آگاه، تحمیل بی حقوقی کامل بر تمام کارگران، پایین نگه داشتن دستمزدها و بیکارسازی عظیم، فشار مضاعفی به کارگران تحمیل می کند. کارگران به واسطه پایین بودن دستمزد و سطح معیشت به اضافه کاری و در بسیاری از موارد به مشاغل دوم و سوم تن می دهند. در این میان سرمایه داران در مقابل مطالبه امنیت شغلی، کارگران را بی وقفه مورد حمله قرار می دهند. با توجه به وضعیت کنونی کارگران در ایران، ما شعار محوری مراسم اول ماه مه امسال را به جهت اهمیت آن برای زندگی و معیشت کارگران « مبارزه سراسری برای افزایش دستمزد، اخراج و بیکارسازی» قرار داده ایم. ما معتقدیم حمله به کارگران و دستگیری آنان به جرم مطالبات خود توسط عوامل سرمایه به هم طبقه ای هایمان آخرین بار نبوده و نخواهد بود. در عین حال، ما کارگران دریافته ایم که مقابله با یورش سرمایه تنها و تنها در سایه سازماندهی سراسری کارگران امکانپذیر است. ما معتقدیم در نبود این سازماندهی است که سرمایه همواره و بی امان ضربات وحشیانه خود را بر پیکر طبقه کارگر فرود می آورد. افزون بر این، ما در عین آن که خود را متعهد و ملزم می دانیم که در صف مقدم مبارزه برای خواست ها و مطالبات روزمره کارگران قرار بگیریم، بر این باوریم که رهایی نهایی طبقه کارگر از سیه روزی و نکبتی که نظام سرمایه داری به طبقه کارگر تحمیل کرده است در گرو مبارزه برای لغو کارمزدی

ساعات کار برای تامین اوقات فراغت در قالب دوروز تعطیل متوالی در هفته هستیم.

۷. بیمه بیکاری از دستاوردهای مبارزات پیشین کارگران جهان است. ما خواهان برخورد مناسب با شأن و منزلت انسانی با بیکاران و بیمه بیکاری مکفی و متناسب با سطح زندگی امروزی به کلیه افراد بیکار از جمله زنان و مردان تا زمان ارائه کار مناسب از سوی دولت هستیم و صندوق بیمه بیکاری موظف است به کارگرانی که بیمه بیکاری دریافت می کنند، عینی پرداخت نماید.

۸. کارگران بیکار در بی حقوقی مطلق به سر می برند، بسیاری از آنان در معرض فروپاشی خانواده هایشان قرار دارند، بارها شاهد کشته شدن فرزندان به دست کارگران بیکار بوده ایم، بارها شاهد فحشا و تن فروشی زنان و دختران از بین همین کارگران بیکار بوده ایم، در نبود کار، کارگران بیکار مورد انواع سوء استفاده ها قرار می گیرند. آنان به حمایت هم طبقه ایهای شاغل شان نیاز دارند. ما کارگران شاغل را به حمایت از همکاران بیکارشان فرا می خوانیم. ما خواهان ممنوعیت اخراج ها و بازگشت فوری کارگران بیکار بر سر کارشان هستیم.

۹. کارگران بازنشسته به لحاظ سطح زندگی و معیشت در وضعیت مشتقت بار و رقت انگیزی به سر می برند. زندگی کارگران بازنشسته به هیچ وجه در شأن زندگی انسان امروزی نیست. ما خواهان تأمین زندگی کارگران بازنشسته و خانواده هایشان هستیم. به طوری که کارگران بازنشسته به واسطه نازل بودن سطح معیشت بعد از عمری کار مجبور به اشتغال مجدد نباشند.

۱۰. کودکان در کارگاه های نمر و زیرزمینی و در خیابان ها به عنوان ارزان ترین کارگران به کار گرفته می شوند، دولت موظف است تا به خانواده های که نان آور آنان کودکان هستند حقوق و مزایا شایسته یک زندگی امروزی فارغ از تعلقات خانوادگی پرداخت نماید و

است. با توجه به موارد فوق ما کارگران خواسته ها و مطالبات خویش را به شرح زیر اعلام می کنیم:

۱. اول ماه مه روز جهانی کارگر، کارگران همراه با خانواده هایشان بتوانند بدون نیاز به کسب مجوز، بدون کنترل و مزاحمت پلیس این روز را بر اساس سنت های جهانی آن برگزار کنند.

۲. بحران سرمایه داری به یکی از حادث ترین مراحل خود رسیده است، کارخانه های دولتی یکی پس از دیگری به بخش خصوصی فروخته می شود و کارگران را دسته دسته تحت عنوان باز خرید و یا با استناد به بند ح از ماده ۲۱ قانون کار در واقع اخراج می کنند، به طوری که اکنون اخراج و بیکاری به عاملی خانمان سوز برای زندگی کارگران تبدیل شده است. ما کارگران را فرا می خوانیم که فریب وجوهی که تحت عنوان حق سنوات داده می شود را نخورند و با مقاومت متحدانه در برابر اخراج خواستار اشتغال دائم و امنیت شغلی شوند.

۳. ما کارگران خواهان لغو فوری کلیه قوانین و مصوبات ضد کارگری موجود از جمله قراردادهای موقت کار، قرارداد یک سویه، قرارداد اجباری که این روزها توسط شرکتهای پیمانکار منعقد می گردد.

۴. در نبود تشکلهای خود ساخته کارگری دستمزد بر اساس واقعیت های موجود یک زندگی امروزی تعیین نمی شود، ما خواهان تعیین دستمزد بر مبنای یک زندگی امروزی برابر با تورم موجود و لغو بخشنامه شورای عالی کار در مورد حداقل دستمزد تعیین شده سال ۱۳۹۳ هستیم.

۵. حقوق معوقه کارگران باید یکجا و فوری همراه با خسارت آن پرداخت گردد. دولت و مجریان قانون حق ندارند حقوق معوقه کارگران را به اقساط تبدیل کنند. ما خواستار بازداشت کارفرمایان خاطی تا وصول حقوق های معوقه کارگران هستیم.

از صفحه ۵

نگاه هفته...

کودکان باید با هزینه دولت مشغول به تحصیل شوند.

۱۱. زنان کارگر در مقایسه با مردان از حقوق و مزایا و فرصت های شغلی کمتری برخوردارند. ما خواهان رفع تبعیض از زنان و برخوردار شدن آنان از دستمزد و مزایای برابر در ازای کار برابر با مردان و همچنین خواهان لغو آپارتاید جنسی و برابری کامل حقوق زنان با مردان در تمام عرصه های زندگی اجتماعی هستیم. زن، همسر یا مادر بودن نباید مانع اشتغال و یا ارتقای شغلی زنان باشد. شرایط کاری زنان باید به گونه ای باشد که امکان تلفیق مسئولیت مراقبت از فرزندان را با کار در بیرون از خانه فراهم کند. ما خواهان قوانین حمایتی برای اشتغال و نیز امنیت و ارتقای شغلی زنان در محیط کار و تمام عرصه های زندگی هستیم.

۱۲. مبارزات متحدانه معلمان اخیراً شکل گسترده و نوینی به خود گرفته است. ما معتقدیم معلمان فقط در سایه ایجاد تشکل های خود ساخته سراسری می توانند به خواسته های خویش دست یابند.

۱۳ - صدور حکم شلاق از طرف قوه قضائیه برای یک معلم، صدور حکم شلاق برای یک جامعه است، ما کارگران ضمن محکوم کردن این جنایت، هیچ وقت آن را فراموش نخواهیم کرد.

۱۴. کارگران در سراسر جهان، بدون تبعیض و برتری نژادی و هرگونه حس ناسیونالیستی حق کار و زندگی دارند. ما خواهان تأمین حقوق سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کارگران مهاجر در سراسر جهان می باشیم.

۱۵. ما کارگران خواهان آزادی ایجاد تشکل های کارگری، آزادی اعتصاب، تجمع و راه پیمایی، آزادی بی قید و شرط سیاسی، آزادی مطبوعات و آزادی کلیه زندانیان سیاسی و کارگران زندانی هستیم.

۱۶. ما کارگران، حمله به بند زندانیان سیاسی که هر چند هفته یک بار توسط نیروهای امنیتی صورت می گیرد بخصوص

بند ۳۵۰ زندان اوین را محکوم می کنیم و خواستار محاکمه کلیه مسئولین مربوطه هستیم.

۱۷. جنگ که شامل پدیده هایی چون ترور، قتل عام و کشتار است، ابزار سرمایه داری جهانی برای تجدید تقسیم جهان و یکی از اهرمهای فشار دولت های قدرت مند سرمایه داری علیه مردم تحت ستم است. ما کارگران ضمن ابراز همدردی با ملت های جنگ زده در منطقه از جمله سوریه هر گونه جنگ را محکوم می کنیم.

۱۸. مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه داری مبارزه ای جهانی است. ما کارگران ضمن حمایت از مبارزات کارگران کشورهای مختلف، کارگران جهان را برای ایجاد انترناسیونال کارگری فرا می خوانیم.

این قطعنامه با یک مقدمه و ۱۸ بند در تاریخ ۶/۲/۹۳ با حضور جمعی از کارگران شهر سقز تدوین و مصوب شد. ما تدوین کنندگان این قطعنامه، از تمام کارگران سقز و حومه از جمله کارگران شهرک صنعتی قهرآباد، کارگران بیمارستان، کارگران شهرداری، کارگران خباز، کارگران سطح شهر می خواهیم که در مراسم های دولتی شرکت نکنند و به هر شکل ممکن مراسم روز جهانی کارگر را برگزار کنند و از این قطعنامه که خواست و مطالبات ما کارگران است استفاده کنند.

اول ماه مه آغاز رزمی ماندگار بر همه کارگران و توده زحمت کش گرامی باد!

علی نجاتی: در این روز به یاد ماندنی کارگران در کشور آمریکا در اعتراض به بیعدالتی هایی که در حق آنان شده بود به خیابانها آمده و خواهان کمتر شدن ساعات کار، افزایش دستمزدها و دیگر خواسته های خود شدند که در نهایت به شماری از خواسته های خود رسیدند و البته برای رسیدن به همین خواسته های حداقلی هزینه های زیادی پرداخت کردند. همه ما به خوبی می دانیم که مبارزه با بیعدالتی و همچنین دنیای نابرابر سرمایه داری

هزینه خاص خودش را هم به همراه دارد. می خواهیم به شما رفقای گرامی ام بگویم که من خود به عنوان نماینده ی کارگران نیشکر هفت تپه به همراه دیگر همکارانم در سنندیکای نیشکر با داشتن سوابق کار بیش از بیست سال از کار بیکار و همچنین به زندان محکوم شدیم و محکومیت ما فقط به دلیل اعتراض به نابرابری های حاکم بر جامعه کارگرمیان بود.

من به عنوان یک کارگر و یک رفیق لازم می دانم که مواردی را به دوستان فعال کارگری گوشزد کنم. به همه شمای که مدعی برداشته شدن بیعدالتی های که به همه مردم زحمت کش و به خصوص طبقه کارگر روا داشته می شود هستیم و شما را به اتحاد عمل رفیقانه دعوت می کنم. هم طبقه ای های من شما می بایستی که با صحبت و بحث و با آگاه کردن دیگر کارگران در محیط های کار آنان را به بی عدالتی هایی که بر همه ما می رود آگاه سازید و با تقویت کار جمعی این واقعیت را به دیگر همکارانمان نشان دهیم. چرا که در نبود یک حرکت متحدانه و عدم فشار طبقاتی سرمایه داران نه تنها حتی به ما نمی دهند بلکه ستم های جدیدتری بر ما اعمال می کنند. در آخر امید دارم که دوستان فعال کارگری در نهادهای مختلف حداقل به یک اتحاد عمل در دادن بیانیتهای مشترک برسند.

به امید روزی که اول ماه مه را در سراسر جهان جشن بگیریم. علی نجاتی عضو هیئت مدیره سنندیکای کارگران کشت و صنعت هفت تپه

بار دیگر جهان سرمایه داری به خود لرزید

روز اول ماه مه امسال کارگران در بخش های گسترده ای از چهار گوشه جهان، از آفریقا تا آسیا و از اروپا تا آمریکا به خیابانها آمدند و اتحاد و همبستگی بین المللی خود را به نمایش گذاشتند. در حالی زنان و مردان کارگر در بنگلادش بر علیه مناسبات نابرابر فریاد می کشیدند که خیابان های آتن، پاریس و صدها شهر دیگر در جهان مملو از جمعیتی بود که بیرق های سرخ برابری طلبی را با خود حمل می کردند. در میدان تقسیم آنکارا و خیابان های کیف

پایتخت اوکراین و بسیاری شهرهای دیگر نیروهای پلیس دولت های سرمایه داری به کارگران حمله ور شده و کارگران را مجروح و بازداشت کردند. از سوی دیگر در ایران نیروهای امنیتی و انتظامی از هفته ها قبل از روز جهانی کارگر با احضارهای مکرر، تهدید و بازداشت فعالین کارگری و همچنین تشدید فضای امنیتی در برخی از شهرها، به استقبال این روز رفتند.

اما روز پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت کارگران و زحمتکشان به هر طریق ممکن، روز اول ماه مه، این نماد همبستگی طبقاتی کارگران را پاس داشتند و علی رغم فضای پلیسی و امنیتی، در حد توان و مقدمات مراسم این روز را برگزار کردند. کارگران سنندیکای واحد تهران به میان همکاران خود رفتند، اما پلیس حاکمیت سرمایه داری حتی تحمل دیدن شیرینی روز کارگر را نداشت و به ضرب و شتم کارگران و دستگیری آنها پرداخت. این در حالی بود که تجمع کننده گان در وزارت کار سرکوب و تعدادی نیز بازداشت شدند. در این روز همچنین در شهرهای مختلف از جمله شهرهای سنندج، بانه، پاوه، رشت، تهران و کرج مراسم هایی در ارتباط با گرامی داشت روز جهانی کارگر بر پا گردید. از سوی دیگر مراسم اول ماه مه ۲۰۱۴ در حالی به شکلی گسترده و باشکوه در کشورهای مختلف جهان برگزار شد که صدها هزاران رسانه که در مجموع تحت چهارچوب و سلطه ی مناسبات سرمایه داری در جهان فعالیت می کنند، همه ی سعی و تلاش خود را به عمل می آوردند تا کارگران را به خاطر تعلقات ملی، نژادی، زبانی، مذهبی و... به گروه های مختلف تقسیم نموده تا آن جا که امکان دارد از اتحاد و همبستگی آن ها ممانعت به عمل آورند. اما برگزاری تظاهرات ها و مراسم های روز جهانی کارگر بار دیگر زنان و مردان کارگر را با ملیت ها، باورها و اعتقادهای مختلف در کنار یکدیگر قرار داد و اعلام نمود که مناسبات تبعیض آمیز و ناعادلانه کنونی در جهان سرمایه داری، شایسته انسان متمدن امروزی نیست. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن تبریک به همه شرکت کننده گان در مراسم های روز جهانی

کارگر، بار دیگر همه کارگران و تشکل های مستقل کارگری را به اتحاد حول مطالبات کارگران در همه عرصه، فرا می خواند. هم چنین ما از همه کارگران و تشکل های کارگری که در روز اول ماه مه، همبستگی بین المللی خود را با طبقه کارگر ایران اعلام کردند، سپاس گذاری می کنیم.

گرامی باد اول ماه مه ۲۰۱۴
زنده باد اتحاد و همبستگی کارگری

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری
۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۳

تجمع کارگران خباز سنندج در اعتراض به عدم افزایش مزد

۱۹ اردیبهشت: بیش از ۲۰۰ کارگر خباز (۸ اردیبهشت) در مقابل فرمانداری سنندج در اعتراض به افزایش نیافتن مزدشان برای سومین سال متوالی تجمع کردند. فرماندار و رئیس اداره کار سنندج در جمع کارگران معترض حاضر شدند، اما توضیحاتشان برای کارگران معترض قانع کننده نبود.

قطعنامه کارگران خبازهای سنندج و مروان: معیشت کارگران به ورطه سراسیمه افتاده است

۱۱ اردیبهشت: کارگران ایران در شرایطی اول ماه مه (روز جهانی کارگر) را گرامی می دارند که تبعات ناشی از بحران اقتصادی کشور ما را دربر گرفته بطوری که معیشت کارگران به ورطه سراسیمه افتاده است. دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر، اخراج سازیهای گسترده، عدم پرداخت به موقع حداقل دستمزدهای بخور و نمیر و تحمیل قراردادهای موقت و سفید امضاء که هر روز بر عمق و دامنه آن نیز افزوده می شود، عواقب اجتماعی ناشی از این معضلات برای کارگران غیر قابل جبران خواهد بود. زندگی انسانی همراه با استانداردهای روز حق مسلم کارگران است. و برای احقاق آن تلاش می کنیم. کارگران خواستار عدم افزایش قیمت نان شدند و منوط کردن افزایش دستمزدهایشان در

قبال افزایش نرخ نان را بی‌انصافی آشکار در حق هزاران کارگر خباز دانسته و مصرا نه خواهان افزایش فوری دستمزدهای خود بر اساس نیازهای واقعی زندگی کارگران شده‌اند. کارگران خبازهای سنندج در بخش دیگری از این قطعنامه جلسات سه جانبه برای تعیین دستمزد کارگران را جلساتی فرمایشی توصیف کرده و خواهان جلسات دو جانبه (کارگر و کارفرما) برای تعیین دستمزدها شده‌اند. کارگران همچنین با تاکید بر پرداخت فوری دستمزدهای معوقه، خواستار توقف اخراج و بیکار سازی کارگران شده‌اند. کارگران خباز سنندجی با اشاره به قانون مشاغل سخت و زیان آور، به لزوم اجرای آن برای کلیه کارگران شاغل در خبازها تاکید کرده و کارگران خباز را محق بر استفاده از مزایای بازنشستگی پیش از موعد دانسته‌اند. کارگران در ادامه قطعنامه‌شان، برپایی تشکلهای مستقل کارگری، اعتراض، تجمع و آزادی بیان را حق مسلم خود عنوان کرده و خواستار به رسمیت شناخته شدن اجتماعات کارگری شده‌اند. همچنین کارگران خباز بر برابری حقوق زنان و مردان در تمامی شئونیات زندگی اجتماعی و اقتصادی تاکید کرده و خواستار محو کلیه قوانین تبعیض آمیز علیه کارگران زن شده‌اند.

پیام سه فعال کارگری در بند به مناسبت اول ماه مه

"محمد مولانایی، واحد سیده و یوسف آب خرابیات"، سه فعال کارگری محبوس در زندان مرکزی مهاباد به مناسبت اول ماه مه پیامی منتشر نمودند. در بخشی از این پیام چنین تصریح شده است: «امروز در شرایطی به پیشواز اول ماه مه روز جهانی کارگر می رویم که نظام سرمایه داری ایران با استثمار بیشتر کارگران می خواهد سیاست نئولیبرالی خود را بر بستر سرکوب بیشتر جنبش طبقه کارگر و نرمش در مقابل دولت های سرمایه داری دنبال کند. ما کارگران ایران در مقابل این بی حقوقی سکوت نخواهیم کرد و به هر شکل ممکن اعتراض خودمان را به اذهان

عمومی می رسانیم.»

احضار فعالین کارگری سقز در آستانه اول ماه مه

به گزارش رسیده روز ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۹۳، تعدادی از فعالین کارگری در شهر سقز توسط اداره اطلاعات به فرمانداری احضار شدند. بنا به این گزارش اداره اطلاعات سقز طی تماس تلفنی در تاریخ ۹ اردیبهشت ماه، با حسین مرادی، جمیل راست خدیو، رحمان کاردار، جلال حسینی، عمر شاکری، شمس اله محمد پور و محمد عبدی پور، آنان را تهدید کردند که در روز جهانی کارگر نباید هیچ مراسمی داشته باشند در غیر اینصورت به شدیدترین شکل ممکن با آنها برخورد خواهد شد. در ادامه این تهدیدها در روز ۱۰ اردیبهشت ماه اداره اطلاعات طی تماس تلفنی از فعالین کارگری، محمدعبدی پور، جلال حسینی و حسین مرادی خواستند که در فرمانداری سقز حضور یابند تا در رابطه با اول ماه مه گفتگو داشته باشند. نامبردگان در روز چهارشنبه ساعت ۱۲ ظهر به فرمانداری سقز مراجعه می کنند. در این جلسه فرماندار و رئیس اداره اطلاعات سقز حضور داشتند و طبق روال معمول با تهدید و ایجاد فضای رعب و وحشت فعالین کارگری را از برگزاری روز جهانی کارگر منع کردند و همچنین در این جلسه ۲ ساعته فرماندار و رئیس اداره اطلاعات از فعالین کارگری خواسته بود تا در مراسم دولتی شرکت کنند که با واکنش فعالین کارگری مواجه شده و محمد عبدی پور به آنها اعلام می نماید که روز جهانی کارگر روز طبقه کارگر بر علیه سرمایه داری است و ما حق داریم مراسم مستقل خود را داشته باشیم. در نهایت فعالین کارگری حاضر در جلسه مجدداً مورد تهدید قرار می گیرند و مسئولین به آنان اعلام می کنند که برگزاری هر گونه مراسمی به جز مراسم دولتی چه در داخل شهر و چه بیرون از شهر شدیداً سرکوب خواهد شد و عواقب آن بعهد شما سه نفر خواهد بود. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

تهدید افشین ندیمی و مهر داد صبوری در آستانه روز جهانی کارگر!

به گزارش رسیده ساعت ۹ صبح سه شنبه ۹ اردیبهشت اداره اطلاعات کامیاران طی تماسی با افشین ندیمی وی را تهدید کرد که در صورتی که در هر مراسمی به مناسبت اول ماه مه شرکت کند با وی به بدترین شکل ممکن برخورد خواهد شد و نیز هر مراسم و یا گلگشتی در شهر برگزار شود او و مهرداد صبوری باید تاوان آن را بدهند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری ضمن محکوم کردن این گونه برخورد با کارگران، برگزاری و شرکت در مراسم روز جهانی کارگر به طور مستقل توسط کارگران را جزء حقوق اولیه آنان می داند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری ۱۰ اردیبهشت ۹۳

دستگیری عمر سلیمانی فعال کارگری

بر اساس گزارش رسیده، روز دوشنبه ساعت ۸ صبح، عمر سلیمانی فعال کارگری در یکی از خیابان های شهر بانه دستگیر و به مکان نامعلومی انتقال داده شده است که تا ارسال این خبر خانواده نامبرده هیچ اطلاعی از وضعیت او ندارند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، ضمن محکوم کردن این عمل غیر قانونی و ضدکارگری، دستگیری این فعال کارگری را قویاً محکوم نموده و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط او و دیگر کارگران و فعالان کارگری دستگیر شده و زندانی می باشد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

مرگ های مشکوک و طناب آبی رنگ

جسد حلق آویز شده يك جوان ۳۰ ساله به نام سامان ابراهیمپور در محله گلشن شهر مریوان پیدا شد. وی از اهالی شهر بوکان می باشد که در مریوان سکونت داشت. شامگاه همان روز نیز يك سرباز اهل مریوان به نام کاوه کریمیان اقدام به خودکشی کرد، که به بیمارستان بوعلی این شهر انتقال داده شد. همچنین روز نهم اردیبهشت ماه يك سرباز اهل کرمان به نام محمد

حسین، که در یادگان نظامی ارتش در شهر مریوان سرباز بود، اقدام به خودکشی کرد. طی بیست روز گذشته، اجساد ۴ شهروند دیگر مریوانی به نامهای عبدالله واحدی (سرباز ارتش)، دانا خونکه، فتح الله خیالدوز و بهروز برومندی که با طناب و از طریق حلق آویز کردن خودکشی کرده بودند پیدا شده بود. هر چند چنین مرگهائی توسط نهادهای ذیربط حکومتی به عنوان خودکشی یاد می شود اما اینکه تمامی افراد مورد اشاره با طناب آبی رنگ و به صورت حلق آویز شده پیدا شده، نگرانی و تشویش ساکنین شهرستان مریوان را در پی داشته است. "علی رخم نگرانی فزاینده و جو ترس و رعب در شهر مریوان ولی فرماندهی انتظامی مریوان بی شرمانه آن را خودکشی عادی تلقی می کند." "خبرگزاری دولتی ایرنا به نقل از فرماندهی انتظامی مریوان اعلام کرد: "با

تحقیقات قضایی و پزشکی مشخص شده که مرگ آنان صرفاً صرفاً مسایل خانوادگی و شخصی بوده است." در مقابل این ادعای حجت الله پرویزی، نماینده مریوان در مجلس گفت: "در ۴۰ روز اخیر حدود ۱۰ تن از شهروندان مریوانی خودکشی کرده اند که در برخی از محافل از آن به عنوان قتل نام برده می شود و این مساله باعث نگرانی مردم شده مسوولان امنیتی و سیاسی استان بایستی دلایل را شفاف سازی کنند." همچنین شایعهی قتل این افراد از سوی گروه های تندور اسلامی و باندهای تبهکار نظیر "هیوا تاب" در میان مردم مریوان وجود دارد. (منبع سایت کردپا)

ناامنی جانی - خودکشی

یازدهم اردیبهشت: میلاد عبدی دانشجو فرزند ابوبکر در شهر کرمانشاه، خود را به آتش کشید. میلاد قبل از اقدام به خودسوزی از طریق تماس تلفنی چند نفر از دوستان و خانواده اش را از این اقدام مطلع کرده بود. میلاد عبدی دانشجوی ترم ۴ رشته عمران دانشگاه آزاد کرمانشاه بوده که تاکنون دلیل خودسوزی برای خانواده و نزدیکانش معلوم نشده است. وی از اهالی بخش نوسود در شهرستان

پاوه است.

۸ اردیبهشت: شهر جوانرود؛ شلبیر ویسی فرزند بهلول بر اثر خودکشی (خودسوزی)، بر اثر مشکلات مالی جان خود را از دست داد.

محیط ریست آتش سوزی جنگلها

چهاردهم اردیبهشت: کوه بمو دچار آتش سوزی شده و تا کنون ساکنین این منطقه نتوانسته اند این آتش سوزی را کنترل و از گسترش آن جلوگیری نمایند. این آتش سوزی از محلی به نام "پشت برجک باویسی" آغاز و اگر این آتش سوزی کنترل نگرده، منطقه باویسی در نزدیکی کوه بمو را هم دربر خواهد گرفت. کوه بمو بخشی از رشته کوه زاگرس می باشد که با ارتفاع ۱۸۴۲ در سرپل ذهاب واقع شده است.

حکم باز داشت موقت جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی صادر شد

پس از گذشت پنج روز از دستگیری شبانه جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی ۴۰ هزار نفری کارگران، که در ساعت يك بامداد ۱۳۹۳/۲/۱۰ صورت گرفت، و علیرغم آزاد شدن کارگران دستگیر شده در اعتراضات روز جهانی کارگر، متأسفانه مسئولین قضائی از آزاد کردن این دو نفر امتناع کرده و توسط شعبه ۶ دادگاه انقلاب مستقر در اوین حکم بازداشت موقت برای آنها صادر شده است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران ضمن محکوم کردن ادامه بازداشت جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی - که جرمی جز طرح مطالبات حق طلبانه کارگران و تلاش برای رساندن آنها بگوش مسئولین در روز جهانی کارگردارند- مصرا نه خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط آنها می باشد. بدیهی است که مسئولیت هرگونه عواقب ادامه این بازداشت بعهده ستولین مرتبط در قوه قضائیه است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران

۱۴/۲/۹۳

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:
Sweden
Post Giro: 6396060-3
account holder: IKK

آلمان:
Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:
Canada
ICRC
Scotiabank
4900
Dixie Rd, Mississauga
L4W2R1
Account #: 843920026913

هلند:
Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 151350248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

آمریکا:
Bank of America
G Street, Blaine, Wa 98230277
phone # 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 99-41581083
wire: ABA routing # 026009593
Nrswwift code : B0FAUS

شماره حساب انگلیس
ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
Account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981
BIC: NWBK GB 2L

در زمینه کمک مالی چنانچه سوالی داشته باشید
میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از ایران:

شهلا دانشفر: ۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

عبدل کلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

همکاری با این دستگاه مخوف
جنایت بکنند، که سعید قاطعانه در
مقابل شکنجه گران ایستاد و حاضر
به همکاری با آنها نشد. اطلاعات و
سپاه پاسداران شهر سقز گفته بودند
اگر میخواستی آزادت کنیم باید بروی
یکی از افراد سرشناس کومه له در
منطقه را ترور کنی.
جمهوری اسلامی بعد از چند روز
شکنجه و اذیت و آزار افراد دستگیر
شده، تعدادی از جمله سعید را برای
ایجاد ترس و وحشت در بین مردم،
به روستا آورد که سخنرانی کرده و از
فعالیت خود اظهار ندامت کنند.

اما سعید در مسجد و در حضور
مردم با جسارت این نقشه را هم بر
ملا کرد و گفت به من فشار میاورند
تا با آنها همکاری کنم و از جمله
یکی از افراد شناخته شده کومه له
را ترور کنم. من اینجا اعلام میکنم
که بهیچ عنوان حاضر به چنین کاری
نیستم. علیرغم شکنجه و تحت
فشار گذاشتن سعید از طرف
نیروهای امنیتی و اطلاعاتی رژیم،
سعید سر تسلیم فرود نیاورد. رژیم
بالاجبار بعد از مدتی از زندان
آزادش کرد.

یکی از هم بندان سعید تعریف
میکرد که در زندان هم با روحیه بالا
و با همان بذله گوئی و شوخ طبعی،
فضای زندان را به محلی شاد و قابل
تحمل تر برای زندانیان تبدیل کرده
بود.

سعید متأسفانه روز ۱۱ اردیبهشت
و بعد از چندین سال دست و پنجه
نرم کردن با بیماری آلزایمر برای
همیشه از بین ما رفت.

یاد و خاطره عزیزش گرامی باد.
رحیم یزدانپرست

دوم مه ۲۰۱۴

بیاد رفیق دیرینه ام سعید مرادی

میبخشید.

در آن دوران شوراهای در همه جا
تشکیل میشد. در روستای مولان
آباد هم شورائی تشکیل شد و سعید
برای دوره طولانی و تا اشغال این
روستا توسط نیروهای سرکوبگر
جمهوری اسلامی عضو شورای ده
بود. یادم هست در جریان انتخابات
برای نمایندگان شورا که در مسجد
ده برگزار میشد، سعید همیشه با
رای بالائی انتخاب میشد.

سعید با وجود اینکه سواد نداشت
اما کمونیسم را با گوشت و پوست
درک کرده بود و از تبعیض و نابرابری
و سیستم سرمایه داری متنفر بود و
برای تبیلیغ ایده و آرمانهای
انسانیش با جان و دل میکوشید.
سعید همیشه در کنار کارگران و
مردم زحمتکش در مقابل زور گویی
اربابان و ملاکین منطقه و یار و یاور
مردم زحمتکش روستاهای منطقه
بود.

سعید تنها از طرف جمهوری
اسلامی تحت فشار نبود و حزب
دمکرات هم که همیشه در ده مقرر
داشت، تحت فشارش می گذاشت و
به بهانه های مختلف او را دستگیر
میکرد که دست از فعالیت بردارد.
اما سعید همچنان با شور و اشتیاق
بکار خود ادامه میداد و به قلدری
های حزب دمکرات واقعی نمی
گذاشت.

در سال ۶۷ سعید همراه با تعدادی
دیگر از مردم ده از طرف نیروهای
امنیتی حکومت اسلامی دستگیر و
روانه زندان شهر سقز شد. در زندان
تحت شکنجه و اذیت و آزار شدید
قرار گرفت. نیروهای سرکوبگر و
سپاه پاسداران شهر سقز میخواستند
به این شیوه سعید را وادار به



سعید مرادی در سال ۱۳۱۴ در
روستای مولان آباد در خانواده ای
فقیر چشم به جهان گشود. از همان
دوران کودکی مانند بقیه کودکان
روستا با کار و زحمت و مشقات
زندگی آشنا شد. و در سنین کودکی
همراه پدرش برای تامین زنگی
فقیرانه خانواده اش مشغول کار
سخت و طاقت فرسا در مزرعه شد.
بدلیل نبود مدرسه در روستاهای آن
دوران، سعید هم مانند بقیه مردم ده
بیسواد بود. انسانی شوخ و بذله گو،
انسان دوست بود و همیشه رابطه گرم
با مردم داشت و همه جا کنار مردم
بود و به همین خاطر جایگاه و احترام
خاصی در میان مردم روستا و
منطقه داشت. در هر جمعی که قرار
میگرفت زود با آنها دوست میشد و
بخاطر همان بذله گوئی و شوخ
طبعی اش باعث خنده و شادی جمع
میشد و زود در دل آنها جا میگرفت.
با انقلاب ۵۷ و تشکیل جریانات
سیاسی در ایران و کردستان سعید
هم به به گرایش چپ روی آورد.
بعدها با کومه له آشنا شد و بعد از
مدتی رسماً کار تشکیلاتی را با
کومه له شروع کرد و به تبیلیغ
سیاست و اهداف کومه له پرداخت و
در پخش نشریات و اطلاعیه های
تشکیلات با شور و شوق شرکت
میکرد. فعالیت مشترک با سعید که
از ما بزرگتر بود خیلی جذاب بود و
شور و اشتیاق خاصی به ما

صفحه بندی: فرزاد کرباسی

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: فرزاد کرباسی

E- mail: farzam.karbasi@gmail.com

زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!